

مطالعه نشانه شناختی-انتقادی بازنمایی «برجام» در گفتمان منتقدین

واژگان کلیدی

- * برجام
- * گفتمان‌شناسی انتقادی
- * نشانه‌شناسی
- * فرکلاف
- * بارت

علی بصارتی *ali.basarati1988@gmail.com

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان، ایران

فاطمه ظهراپی *fateme.zohraabi@gmail.com

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان، ایران

چکیده:

برنامه جامع توافق هسته‌ای (برجام)، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وقایع سیاسی اخیر، تفاسیر متعددی را به‌ویژه از جانب منتقدین دریافت کرده است. از این رو، پژوهش حاضر قصد دارد تا با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی و تحلیل نشانه‌شناختی-انتقادی، بازنمایی برجام توسط مخالفین و تاثیر گفتمان‌ها در روابط قدرت را مطالعه نماید. به همین منظور، ۱۰ کاریکاتور در این رابطه گردآوری و با استفاده از رویکرد فرکلاف (۱۹۸۹) به گفتمان‌شناسی انتقادی و نیز راهبرد تحلیل نشانه شناختی رولان بارت به تحلیل آن‌ها پرداخته شد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند چینه‌های ایدئولوژیکی عناصر موجود در تصاویر عموماً تلاش کرده‌اند تا مذاکرات هسته‌ای را در جایگاه ضعف بازنمایی کنند و آن را در تضاد و تخاصم بنیادین با اهداف و برنامه‌های انقلاب و نظام جمهوری اسلامی قرار دهند. همچنین تیم مذاکره‌کننده ایرانی به عنوان گروهی بازنمایی شده است که تحت تاثیر فشارهای غرب و خاصه آمریکا به توافقی به نام برجام تن داده‌اند. همچنین در راستای بررسی تاثیرات انتشار این دیدگاه‌ها بیان شد که مشروعیت‌زدایی از امر مقبول جامعه و سطوح بالای قدرت موجب می‌شود مشروعیت کنش‌های سیاسی نهادهای حکومتی به همراه نظم مرسوم ساختار قدرت نهادهای سیاسی با بحران مشروعیت روبرو شود.

مقدمه و بیان مسئله

«برجام» یا برنامه جامع توافق هسته‌ای را می‌توان یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین رخدادهای سیاسی در دو دهه اخیر تلقی کرد که موجب شد صداهای موافق و مخالف بسیاری در خصوص مذاکره برای احقاق حقوق هسته‌ای در داخل کشور برانگیخته شود. منتقدان این رخداد سیاسی معتقد بودند که برجام با عدول از خطوط قرمز نظام و مسامحه با غرب، به‌ویژه آمریکا، موقعیت نظام جمهوری اسلامی را تضعیف می‌کند. این گروه سیاسی با طرح مشکلات معیشتی و رکود اقتصادی، نتایج حاصل از برجام را بی‌تاثیر تلقی می‌کردند و مذاکرات طولانی مدت با کشورهای غربی و عقب‌نشینی از پیشرفت‌های بدست‌آمده در انرژی هسته‌ای را یک شکست می‌پنداشتند (ر.ک. صادقی جقه، ۱۳۹۵). بخشی از رویکرد و تفسیر گروه منتقدین از برجام و نتایج حاصل از آن ریشه در موازین و اصول گفتمانی داشت که بدون شک با نظام ایدئولوژیک خاصی پیوند خورده است. در حقیقت، این نظام ایدئولوژیک استدلال‌ها و توجیه‌های لازم را برای نقد و به چالش کشیدن برجام فراهم می‌کند. با این حال، آنچه در این میان از اهمیت بسزایی برخوردار است این است که گفتمان منتقدین چگونه و با چه محتوایی برجام و نتایج حاصل از آن را بازنمایی می‌کند. افزون بر این، این پرسش که گفتمان منتقدین چه تاثیر سیاسی - اجتماعی در ساختار قدرت بوجود می‌آورند نیز از اهمیت به‌خصوصی برخوردار است.

براساس آنچه گفته شد، پژوهش حاضر قصد دارد با اتخاذ گفتمان شناسی انتقادی، به مطالعه نشانه‌شناختی - انتقادی بازنمایی برجام در کاریکاتورهای مرتبط با موضوع برجام از دیدگاه منتقدین بپردازد. همچنین، این پژوهش به بررسی نقش و تاثیر سیاسی - اجتماعی اتخاذ رویکرد انتقادی به برجام در ساختار و نظم گفتمانی قدرت خواهد پرداخت.

اهمیت این پژوهش از آن رو است که کردارهای نشانه‌شناختی مخالف و منتقد برجام را در کنار ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های دخیل در آن مطالعه می‌کند و تاثیرات بازتولید دیدگاه‌های مخالف برجام در ساختار گفتمانی و سیاسی - اجتماعی قدرت را شفاف می‌سازد. فراهم کردن چنین بینشی تحلیل‌گر را قادر می‌سازد تا چگونگی تولید روابط نابرابر قدرت در موضوعات مشابه را پیش‌بینی کند. استدلال ما این است که گفتمان منتقدین، برجام را به عنوان یک شکست سیاسی هم در عرصه داخلی و هم در عرصه خارجی بازنمایی می‌کند. بازنمایی

این‌چنینی از یک پدیدهٔ سیاسی که با کلیت نظام سیاسی کشور پیوند خورده است، ممکن است باعث آشفتگی ساختن مفصل‌بندی قدرت سیاسی نظام در سطوح نهادی، موقعیتی و اجتماعی شود.

نشانه و ایدئولوژی

نشانه‌شناسی علم پژوهش نظام‌های دلالت‌معنایی است. در حقیقت، نشانه‌شناسی تلاش دارد تا نشان دهد که نشانه‌ها از چه چیزی ساخته شده و قوانین حاکم بر آن‌ها کدامند (احمدی، ۱۳۹۰). نشانه‌شناسی صرفاً مطالعه‌ی «نشانه‌ها» در مکالمات روزمره که از آن یاد می‌شود نیست، بلکه تمام آن‌چیزهایی که دلالت بر چیزی دیگر دارند را نیز در برمی‌گیرد (چندلر، ۱، ۲۰۰۷). به بیان دقیق‌تر، نشانه‌ها در قالب کلمات، تصاویر، اصوات، حرکات و اشیا قرار می‌گیرند.

مطالعه و بررسی نشانه‌ها مستقل از عوامل تاثیرگذار در رخداد آن‌ها صورت نمی‌گیرد. نشانه‌ها همواره بخشی از نظام نشانه‌ای تلقی می‌گردند که به چگونگی تولید معنا و بازنمایی حقیقت در قالب نشانه‌ها می‌پردازند (چندلر، ۲۰۰۷). دلیل این امر آنست که منابع نشانه‌شناختی تنها به گفتار، نوشتار و تصویر محدود نمی‌شوند؛ تمامی کردارهای ما می‌توانند به شیوه‌ای دیگر نیز صورت پذیرند و بنابراین به بروز معانی متنوع دیگر منجر شوند. از این‌رو، منابع نشانه‌شناختی دال‌ها، کنش‌های قابل روئیت و موضوعاتی هستند که در برقراری ارتباطات اجتماعی دخیل هستند (ون لیون^۲، ۲۰۰۵). نشانه‌شناسی تمامی فرایندهای فرهنگی را به مثابه فرایندهای ارتباطی مطالعه می‌کند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد هر کدام از این فرایندها از مجرای یک نظام دلالت‌زیربنایی و اصولی رخ می‌دهد (اکو^۳، ۱۹۷۶). از دیدگاه اکو (۱۹۷۶)، نظریهٔ تولید نشانه می‌بایست کنش‌های مرتبط با رمزگشایی و بازگردانی نشانه‌ها را در برگیرد.

برخی عملکردها و کردارهای انحرافی در تولید نشانه‌ها به پدیداری گفتمان ایدئولوژیک منجر می‌شود. گفتمان ایدئولوژیک قضایای احتمالی را اموری حقیقی و واقعی بازنمایی کرده و تنها

^۱. D. Chandler

^۲. T. Van Leeuwen

3 . U. Eco

بخشی از زمینه معنایی را در بر می‌گیرند و آن را چنان بازنمایی می‌کند که به نظر می‌رسد برهان و استدلال متقن است (اکو، ۱۹۷۶). از دیدگاه اکو (۱۹۷۶)، تمامی استدلال‌های انسان‌ها درباره حقایق، تصمیمات، عقاید، باورها و ارزش‌ها بر مبنای قدرت مطلق منطق استوار نیست، بلکه متاثر از عناصر عاطفی، ارزش‌های تاریخی و انگیزه‌های عمل‌گرایانه نیز است (اکو، ۱۹۷۶). از این رو معنایی که نشانه‌ها از موضوع‌های خاص ارائه می‌دهند به ایدئولوژی‌هایی گفتمانی وابسته هستند که درک ویژه‌ای از جهان را برای افراد فراهم می‌کنند (هاج و کرس^۱، ۱۹۸۸؛ ویلیامسون^۲، ۱۹۷۸). بر این اساس، کردارهای گفتمانی با پیوند دادن موضوع‌های مطرح در جامعه به مبنای ایدئولوژیک خاص سعی دارند افکار عمومی را مدیریت و در نتیجه، ساختار سیاسی - اجتماعی قدرت را در راستای ارزش‌ها، اهداف و منافع خود حفظ و تقویت کنند.

گفتمان شناسی انتقادی

گفتمان‌شناسی انتقادی کاربرد زبان و عموماً نظام نشانه شناختی را به مثابه کنش اجتماعی تفسیر می‌کند (فرکلاف^۳، ۱۹۸۸؛ ۱۹۹۲؛ ۲۰۱۰؛ فرکلاف و ووداک^۴، ۱۹۷۷). گفتمان شناسی انتقادی معتقد است سلطه، نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی و تبعیض‌های قومی و جنسیتی به وسیله زبان اعمال، تثبیت و مشروعیت‌بخشی می‌شوند؛ از این‌رو، شناخت این مسائل را در گرو شناخت گفتمان نهادهای قدرت می‌داند. در این رویکرد، تحلیل‌گر تلاش می‌کند با آشکار ساختن روابط پنهانی قدرت که شرایط بروز مسائل فوق را مهیا می‌کنند، آگاهی انتقادی در افراد بوجود آورد تا خود را از سلطه و آسیب‌های آن برهانند (فرکلاف، ۱۹۸۹؛ ۱۹۹۲؛ ۲۰۱۰؛ مایر^۵، ۲۰۰۲؛ ون‌دایک^۶، ۱۹۸۶). از دیدگاه ون‌دایک (۱۹۸۶) علوم اجتماعی و به‌خصوص

^۱ R. Hodge & G. Kress

^۲ J. E. Williamson

^۳ N. Fairclough

^۴ N. Fairclough & R. Wodak

^۵ M. Mayer

^۶ T. A. van Dijk

گفتمان شناسی انتقادی مسائل و مشکلات ضروری جامعه را در راس مطالعات خود قرار می‌دهد و به این وسیله دیدگاه‌های کسانی را که مسئولیت، قدرت و امکانات لازم برای حل مسائل دارند را تحلیل و به چالش می‌کشد. در همین ارتباط، فرکلاف (۲۰۰۱) معتقد است گفتمان شناسی انتقادی افزون بر آشکار کردن چگونگی عملکرد زبان در ابقا و تغییر روابط قدرت در جامعه، می‌کوشد شناخت و آگاهی مردم را از زبان در شکل دهی، حفظ یا تغییر روابط قدرت که منجر به ایجاد سلطه و استعمار می‌گردد، فزونی بخشد. به بیان دیگر، ون‌دایک (۲۰۰۹) بیان می‌کند که صاحب‌نظران و پژوهشگران گفتمان شناسی انتقادی عموماً به تحقیق در شیوه‌هایی علاقه‌مند هستند که به موجب آن گفتمان به تولید یا بازتولید سلطه‌ی اجتماعی اقدام می‌کند که نمونه بارز سواستفاده از قدرت توسط یک گروه بر علیه گروه دیگر است. این مهم با پرده برداشتن از روابط پنهان بین گفتمان و دانش حاصل می‌شود (ون‌دایک، ۲۰۰۳). دانش علاوه بر آنکه موضوعی ذهنی است بلکه از خصلت اجتماعی نیز برخوردار است (ون-دایک، ۲۰۰۳). در همین ارتباط، فرکلاف (۱۹۹۲) مدعی است که یک کردار گفتمانی با تولید دانش درخصوص یک موضوع خاص یا روابط از پیش موجود قدرت را حفظ و بازتولید می‌کند و یا از مجرای منازعات گفتمانی، روابط قدرت و ساختار هژمون را تغییر داده و دگرگون می‌کند. در حالت کلی، وقایع گفتمانی تاثیرات عمیقی بر روی منازعات اجتماعی و درگیری‌های مرتبط با آن‌ها می‌گذارند.

پیشینه پژوهش

مطالعات نشانه‌شناسی

پژوهش‌های متعددی درخصوص نشانه‌شناسی تصاویر صورت گرفته است. این مطالعات طیف وسیعی از موضوعات را شامل می‌شوند که در این قسمت تنها به مرور تعدادی از آن‌ها بسنده می‌کنیم.

خسروی (۱۳۹۳) با استفاده از تحلیل نشانه-اسطوره‌شناختی، ایدئولوژی پنهان در رمزگان تصویری و متنی روزنامه‌های سراسر ایران را درباره انتخابات ریاست جمهوری تحلیل می‌کند. خسروی (۱۳۹۳) نشان می‌دهد ساختار نشانه‌شناختی بازنمایی انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۹۳ در روزنامه‌های وابسته به اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان با دلالت‌های ایدئولوژیک همراه بوده است در ارتباط با نشانه‌شناسی تبلیغات، رسولی و همکاران (۱۳۹۳)، با

تمرکز بر روند فزاینده‌ی مصرف‌گرایی، به تحلیل نشانه‌شناختی از تبلیغات مجلات سبک زندگی می‌پردازند و بیان می‌کنند که مخاطب کشورهای جهان سومی تنها می‌تواند مصرف کننده منفعل کالاها و ارزش‌های تولیدی غربی باشند. به اعتقاد این نویسندگان، ایدئولوژی حاکم در گفتمان این مجلات شکل‌گیری جامعه‌ای گروه‌بندی شده با توجه به لایه‌های اقتصادی و منزلتی را تقویت می‌کنند. در همین ارتباط، آقای و همکاران (۱۳۹۴) با تحلیل نشانه‌شناختی تصاویر روی جلد مجله «چلچراخ» معتقد هستند که این مجله با توسل به اسطوره‌سازی از موضوع‌های متنوع به بدیهی‌سازی ارزش‌ها، علایق و دیدگاه‌های خود مبادرت می‌ورزد. خوانساری (۱۳۹۵) نیز با تحلیل تصاویر دوران جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق تصویری در بازنمایی اسطوره‌شهادت را مطالعه می‌کند. خوانساری (۱۳۹۵) معتقد است که تمثال شهدا ابزار بسیار کارآمدی در ایجاد ارتباط بین مردم و غالب ساختن ارزش‌های ویژه است.

پژوهش‌هایی که در این قسمت به مرور آن‌ها پرداختیم در دو گروه مطالعات انتقادی و غیر انتقادی جای می‌گیرند: مطالعاتی از جمله خسروی (۱۳۹۳)، آقای و همکاران (۱۳۹۴) تمرکز خود را صرفاً بر روی تحلیل عناصر نشانه‌شناختی و کشف ماهیت ایدئولوژیک آنان معطوف ساخته‌اند و به بحث‌هایی از این دست که گفتمان تولید شده چه نقشی را در معادلات نظام قدرت در یک ساختار سیاسی-اجتماعی ایفا می‌کنند، نپرداخته‌اند. از این‌رو، این دو نمونه و مطالعاتی از این دست در گروه مطالعات غیرانتقادی قرار می‌گیرند. اما، مطالعاتی نظیر رسولی و همکاران (۱۳۹۴) و خوانساری (۱۳۹۵) را می‌توان به‌روشنی در گروه پژوهش‌های انتقادی قرار داد؛ چراکه این مطالعات به پیامدها و تاثیراتی پرداخته‌اند که گفتمان تولیدشده در روابط اجتماعی و سیاسی جامعه بوجود می‌آورد. به بیان دقیق‌تر، رسولی و همکاران (۱۳۹۴) گسترش و طبیعی‌شدگی جامعه مصرف‌گرایی را محصول گفتمانی معرفی می‌کنند که توسط عناصر نشانه‌شناختی بازتولید و منتشر می‌شوند. در همین راستا، خوانساری (۱۳۹۵) نیز تصریح می‌کند که تولید گفتمان شهادت و اسطوره‌سازی از آن ساختارهای موجود اجتماعی-سیاسی را به وسیله‌ی تقویت هژمونی گفتمان غالب حفظ و تحکیم می‌بخشد.

مطالعات برجام

برجام یک موضوع چندوجهی است که آثار و پیامدهای آن را باید از ابعاد مختلفی بررسی کرد. در گنجینه مطالعات علمی، این آثار در سطوح اقتصادی، راهبردی، اجتماعی و دفاعی بررسی شده‌اند که به مرور برخی از آنها می‌پردازیم.

در ارتباط با آثار اقتصادی، کمالی اردکانی (۱۳۹۵) معتقد است که در سایه ایجاد فضای مساعد و مثبت بین‌المللی، برجام قادر است پیامدهای اقتصادی مثبت برای کشور به بار آورد. کمالی اردکانی (۱۳۹۵) همچنین بیان می‌کند که با گذشت زمان و مرتفع شدن برخی محدودیت‌های رسمی و غیررسمی آثار مثبت برجام در زمینه‌های اقتصادی، صنعت و وضعیت معیشتی به صورت ملموس‌تری پدیدار خواهد شد. از دیدگاه تاثیرات راهبردی برجام، خلیلی (۱۳۹۵) به پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام می‌پردازد و بیان می‌کند که مذاکرات منتهی به برجام باعث شد بسیاری از روندها و جهت‌گیری‌های منفی نسبت به ایران از میان برداشته شود. در ارتباط با ابعاد اجتماعی برجام نیز صادقی جقه (۱۳۹۵) از آن با عنوان یک «سرمایه اجتماعی» یاد می‌کند و آن را دستاوردی تلقی می‌نماید که می‌تواند مسیر را برای برداشتن گام‌های بلند با هدف ارتقا سرمایه اجتماعی کشور برداشت. با این وجود، صادقی جقه (۱۳۹۵) مدعی است که اعتماد عمومی جامعه به دلیل عدم تحقق کامل و بی‌کم‌وکاست ادعاهای دولت درباره رفع تمامی تحریم‌ها و گشایش اقتصادی بعد از برجام خدشه‌دار شده و نوعی بدبینی نسبت به دولت و برجام ایجاد شده است. از سوی دیگر، نادیده انگاشتن اثرات مثبت برجام توسط مخالفین و منتقدین برجام می‌تواند ناامیدی و فرسایش سرمایه‌های اجتماعی را به دنبال داشته باشد (صادقی جقه، ۱۳۹۵). به دنبال مطالعه پیامدهای منفی، جمشیدی (۱۳۹۴) به بررسی اهداف آمریکا از توافق هسته‌ای می‌پردازد و پیامدهای منفی توافق برجام بر روی قدرت دفاعی ایران متمرکز می‌شود. جمشیدی (۱۳۹۴) معتقد است که برجام به بهانه رفع تحریم‌ها، قدرتی را در اختیار آمریکا قرار داده است تا به شیوه‌ای غیر از تهدید نظامی و به کمک مذاکرات دیپلماتیک توانمندی موشکی و هسته‌ای ایران را محدود و کنترل نماید.

در بین مطالعاتی که در این بخش به مرور آن‌ها پرداختیم، مطالعات کمالی اردکانی (۱۳۹۵) و خلیلی (۱۳۹۵) آثار و پیامدهای مثبت برجام را در عرصه‌های اقتصادی، تجاری و سیاسی بررسی کرده‌اند. با این وجود، صادقی جقه (۱۳۹۵) با نگاهی انتقادی به هر دو گروه موافق و

مخالف برجام در ساختار قدرت، آثار و پیامدهای برخی اقدامات دولت و منتقدین برجام را موشکافی می‌کند و آسیب‌های اجتماعی آن را بحث می‌کند. با این وجود، پژوهش صادقی جقه (۱۳۹۵) آسیب‌های احتمالی برجام و بازنمایی‌های موافقین و منتقدین برجام بر شاکله‌ی قدرت را در بر نمی‌گیرد. در طرفی دیگر، جمشیدی (۱۳۹۴) با دیدی انتقادی اثرات برجام را در سیاست خارجی و جایگاه ایران در منطقه را واکاوی می‌کند.

برجام کماکان موضوعی مناقشه‌آمیز در داخل کشور است و، از این رو، به شیوه‌های بسیاری بازنمایی شده است. این بازنمایی‌ها، تاثیرات مختلفی را در ساختار و نظم قدرت در سطوح نهادی، موقعیتی و اجتماعی بوجود می‌آورند. با در نظر گرفتن مسئله، مطالعه حاضر قصد دارد با مطالعه نشانه شناختی-انتقادی متون تصویری منتشرشده در رابطه با برجام از سوی مخالفین و منتقدین داخلی و آسیب‌های احتمالی را بررسی کند که ممکن است در ساختار سیاسی قدرت و مشروعیت نظام سیاسی کشور بوجود آید.

روش‌شناسی پژوهش

پیکره و شیوه جمع‌آوری داده‌ها

پیکره پژوهش حاضر متشکل از ۱۰ کاریکاتور است که در مخالفت با موضوع برجام منتشر شده‌اند. داده‌های مورد نیاز از تازنمای www.aviny.com قسمت «تلخندک‌های سیاسی» از بین کاریکاتورهای مختلف در موضوعات سیاسی متنوع گردآوری شده‌اند. در گزینش کاریکاتورها موضوع برجام و توافق هسته‌ای مد نظر قرار گرفت. به دلیل خودداری از ارائه تحلیل‌های مشابه، از انتخاب کاریکاتورهایی با مضامین مشابه اجتناب شد و تنها ۱۰ کاریکاتور با مضامین متفاوت انتخاب گردید که بخش بزرگی از موضوع را پوشش می‌دادند.

روش تحلیل

این مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی در قالب پارادایم انتقادی انجام می‌شود که بر این اساس محقق می‌کوشد بازنمایی‌های جهت‌دار و ایدئولوژیک حقایق را شناسایی و حقایق و واقعیات تحریف شده را آشکار سازد (گریچ، ۲۰۰۷). در این پژوهش، برای مطالعه معنای صریح و ضمنی تصاویر از چارچوب نشانه شناختی بارت (۱۳۸۹) استفاده خواهد شد. همچنین، با هدف

^۱ . C. Grbich

تحلیل انتقادی تصاویر، از رویکرد سه بعدی فرکلاف (۱۹۸۹) به گفتمان شناسی انتقادی، استفاده خواهد شد. در این رویکرد، فرکلاف پس از تحلیل و بررسی عناصر متنی و راهبردهای گفتمانی به واکاوی این مسئله می‌پردازد که گفتمان تولید شده چه تاثیراتی را در سطوح نهادی، موقعیتی و اجتماعی بوجود می‌آورد؟ آیا به تقویت و بازتولید آن در سطوح مذکور بوسیله بازتولید ایدئولوژی کمک می‌کند؟ گفتمانی نوظهور را بوجود می‌آورد و یا تغییراتی را به آن تحمیل می‌کند؟ (فرکلاف، ۱۹۸۹). در این پژوهش به جهت ارائه تحلیلی انتقادی از تاثیرات گفتمان تولیدشده پس از تحلیل نشانه شناختی تصاویر از سطح سوم تحلیل رویکرد فرکلاف استفاده خواهد شد. در ادامه به معرفی رویکرد بارت و فرکلاف خواهیم پرداخت.

رویکرد نشانه‌شناختی بارت

بارت (۱۳۸۹) در تحلیل و بررسی آگهی‌های بازرگانی سه‌گونه پیام را مطرح می‌کند: زبانی، نمادین رمزگانی و غیر رمزگانی. بارت (۱۳۸۹) پیام‌های رمزگانی را در دو لایه تحلیل و تفسیر می‌کند و آن‌ها را دلالت صریح و دلالت ضمنی می‌نامد. بارت (۱۳۸۹) به فرایند دلالت توجه دارد که معنا به واسطه آن تولید می‌شود. وی معنای صریح و ضمنی را جایگزین دلالت اولیه و ثانویه قرار می‌دهد. بارت (۱۳۸۹) معتقد است که دلالت ضمنی به معنای تحمیل یک پیام ثانویه به پیام مرکزی متن است. این تبدیل معنا و تولید معنای جدید به کمک سطوح مختلف تولید عکس یعنی انتخاب، پرداخت فنی، کادربندی و صفحه‌بندی حاصل می‌شود. از دید بارت (۱۳۸۹) در این امر شش فرایند مشارکت دارند که در تحلیل تنها چند مورد از آن‌ها دخیل هستند:

جلوه‌های ویژه: در کنار هم قرار دادن چند عکس؛

ژست‌ها: حالات افراد و ارجاع به مدل‌های فرهنگی؛

اشیا: تداعی کننده‌ی معنای مقبول جامعه؛

زیبانهمایی: زیبا جلوه دادن پیام ضمنی تصویر به مدد شیوه‌های نورپردازی و تولید عکس؛

هنرنمایی: بازنمایی تصویر به عنوان هنر؛

هم‌سازی: کنار هم قرار گرفتن مجموعه‌ای از تصاویر و عدم حضور دال ضمنی در هیچ یک از اجزای مجموعه.

رویکرد سه‌بعدی فرکلاف به گفتمان‌شناسی انتقادی

رویکرد فرکلاف (۱۹۸۹) به گفتمان شناسی انتقادی شامل سه بعد تحلیلی است: سطح توصیف: مرحله‌ای است که ویژگی‌های صوری متن در ارتباط با موضوع مورد مطالعه بررسی می‌شوند؛

سطح تفسیر: در این مرحله راهبردهای گفتمانی تولیدشده در متن نظیر بینامتنیت و بیناگفتمانیت آشکار می‌شوند. این راهبردها به انسجام متنی و درونمایه‌ای گفتمان را تأمین می‌نمایند؛

سطح تبیین: در این مرحله نهایی، ارتباط گفتمان با روابط قدرت تعیین می‌گردد. در این سطح به این موضوع پرداخته می‌شود که چه نوع روابط قدرتی در سطوح نهادی، موقعیتی و اجتماعی در شکل دادن به گفتمان نقش داشته‌اند و گفتمان تولیدشده چه تاثیراتی را در سطوح مذکور در گفتمان حاکم ایجاد کرده است.

تحلیل داده‌ها



شکل شماره ۱- مذاکرات زیر شیخ تهدید

برای توصیف دلالت مستقیم در این تصویر لازم است ابتدا به توصیف عناصر شکل‌دهنده تصویر پرداخته شود. در سطح کلی، این تصویر به مذاکره بین ایران و کشورهای ۵+۱ دلالت دارد. در این تصویر، یک میز گرد، دو عدد صندلی و یک عدد گرز در طرف مذاکره کننده تیم ۵+۱ عناصر فضا ساز را تشکیل می‌دهند. در این تصویر، برای کشورهای ۱+۵ صندلی راک و برای مذاکره کنندگان ایرانی صندلی معمولی طراحی شده است. افزون بر این‌ها، تکه‌های گچ بر روی زمین و خطوطی روی پارچه رومیزی مشاهده می‌شود. رنگ پس‌زمینه تصویر بنفش انتخاب شده که منتسب به دولت یازدهم است.

آنچه در سطح دلالت ضمنی این تصویر می‌توان گفت این است که در انجام مذاکرات هسته‌ای نمایندگان کشور ایران از سوی کشورهای ۵+۱ تحت فشار بوده‌اند و توافق بدست آمده نتیجه فشار کشورهای غربی و آمریکا است. گرز موجود در کنار دست طرف ۵+۱ تداعی‌گر این فشارها و تحریم‌های اعمال‌شده از سوی کشورهای اروپایی و آمریکا است. عناصر نشانه‌شناختی در این تصویر کشورهای غربی و آمریکا را در موضع قدرت و انعطاف بالا در اعمال فشارهای خود بر ایران نشان می‌دهند. این برداشت را وجود صندلی راک و گرز برای طرف ۵+۱ در ذهن بیننده پدید می‌آورد و به‌طور تلویحی بیان می‌کند که طرف ۵+۱ به راحتی و سهولت منافع خود را بر منافع ایران غالب کرده و ایران را در موضع ضعف قرار داده است. همچنین، وجود تعدادی گچ و خطوط بر روی پارچه میز مذاکره به تعداد بالای جلسات مذاکره به صورت ضمنی دلالت می‌کند و آن را امری فرسایشی به تصویر می‌کشد. علاوه بر این‌ها، رنگ بنفش موجود در پس زمینه عکس که به صورت مه‌آلود به تصویر کشیده شده است خبر از فرجام پرازابهام و نامعلوم مذاکرات می‌هد و به نوعی فضای کلی گفتمان دولت یازدهم را توصیف می‌کند.



شکل شماره ۲ - نتیجه‌ی برجام

در سطح دلالت مستقیم، این تصویر از یک بسته هدیه تشکیل شده است که عبارت «برجام»، «۵+۱» و تصویر پرچم آمریکا قابل مشاهده است. در درون این جعبه عبارت «هیچ» با رنگ

بنفش و به صورت برجسته قرار داده شده است. در سطح دلالت ضمنی، این تصویر به نتیجه‌ی مذاکرات هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱ اشاره می‌کند که علیرغم تلاش‌های فراوان تنها پیامد آن «هیچ» به تصویر کشیده شده است. رنگ بنفش ربان‌های روی جعبه به‌طور تلویحی بیان می‌کند که نتیجه «هیچ» ماحصل برنامه‌های هسته‌ای دولت یازدهم است. تصویر جعبه هدیه به‌صورت کنایی حکایت از آن دارد که امتیازات و دست‌آوردهایی که دولت از آن با افتخار یاد می‌کند در مقابل امتیازات اعطا شده به طرف مقابل فاقد ارزش و وجاهت است. همچنین نقش شدن تصویر پرچم آمریکا به دور جعبه حاکی از سلطه و هژمونی آمریکا بر روی کشورهای ۵+۱ و داشتن دست بالا در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با توافق هسته‌ای است.



شکل شماره ۳- پشت پرده مذاکرات

در سطح دلالت مستقیم از تصویر حاضر می‌توان کیفیت روند انجام مذاکرات نمایندگان ایران و کشورهای ۵+۱ را برداشت کرد؛ بعلاوه دستی دارای نشان پرچم اسرائیل در قسمت پشت سر نمایندگان ۵+۱ قرار دارد. علاوه بر نمایندگان، نوع صندلی‌های آنان نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. صندلی نماینده ایران یک صندلی معمولی است اما در مقابل صندلی نماینده گروه ۵+۱ یک صندلی گردان است. رنگ پس‌زمینه فضای عکس نیز سیاه و مه‌آلود است.

در سطح دلالت ضمنی هر کدام از اجزای تصویر منتج از معانی گفتمانی هستند. ابتدا نماینده-ی گروه ۵+۱ همچون یک عروسک کوکی تصویرسازی شده است که با منابع مالی اسرائیل کوک شده و فعالیت می‌کند. در این تصویر، به وضوح نشان داده شده است که گروه ۵+۱ کاملاً تحت نفوذ و کنترل اسرائیل عمل می‌کند و صندلی گردان آن‌ها نشان از داشتن نفوذ، قدرت بالا و اشراف کامل بر تمام امور دارد. صندلی گردان این معنا را تداعی می‌کند که گروه ۵+۱ به دلیل حمایت‌های همه‌جانبه اسرائیل دارای قدرت مانور بسیاری است و به مسائل بسیاری احاطه و اشراف دارد. این موضوع از نوع نشستن نماینده گروه ۵+۱ و از نگاه مستقیم و چهره جدی او به نماینده ایران قابل دریافت است. اما برخلاف نماینده گروه شش قدرت جهان، طرف ایرانی به صورت گروهی مرعوب و تحت نفوذ بازنمایی شده است. ذوق زدگی نماینده‌ی ایران حاکی از رضایت وافر از روند مذاکرات است که ایران را در موضع ضعف قرار داده و گروه ۵+۱ که از حمایت اسرائیل برخوردار است در موضع قدرت قرار دارد و خواسته‌ها و منافع خود را به ایران تحمیل می‌کند. در این تصویر، ضعف ایران و نداشتن سرسختی و قدرت مانور در روند مذاکرات را از نوع نشستن طرف ایرانی (چشمانی بسته و دست‌های روی پا) می‌توان برداشت کرد. افزون بر این، نوع صندلی ایران نیز ضعف و استیصال گروه ایرانی و نداشتن قدرت بالا در مذاکره را تداعی می‌نماید. رنگ سیاه و مه‌آلود فضای تصویر نیز دلالت بر آثار و پیامدهای مذاکرات دارد که فرجام مثبت و فایده‌مندی را برای ایران پیش‌بینی نمی‌کند.



شکل شماره ۴- دیوار مهربانی برجام

سطح دلالت مستقیم این تصویر شامل نقشه جغرافیایی ایران با رنگ بنفش است که برجام را به عنوان یک دیوار مهربانی تشبیه نموده است و اقلام و موضوعاتی را در دو گروه با عناوین «نیاز داری بردار» و «نیاز نداری بزار» تقسیم‌بندی کرده است. در گروه «نیاز نداری بزار» اقلامی قرار داده شده‌اند که از اهمیت بسیار پایینی برای گفتمان رقیب برخوردار هستند. برعکس، گروه «نیاز داری بردار» شامل نخبگان، انرژی هسته‌ای و نفت می‌شود که منابع و امکانات راهبردی کشور را تشکیل می‌دهند.

در سطح دلالت ضمنی این تصویر و رنگ بنفش آن نتیجه مذاکرات هسته‌ای دولت یازدهم با کشورهای ۱+۵ را بازنمایی می‌کند. آنچه که از تصویر هویداست، برجام یک شکست مفتضحانه نشان داده شده است که بواسطه آن امتیازات بسیار راهبردی و حیاتی به غرب و دشمن واگذار شده است (گروه «نیاز داری بردار») و در عوض امتیازاتی دریافت گردیده که هیچ‌کدام از نیازهای اصلی کشور تلقی نمی‌شوند (گروه نیاز نداری بزار). این تصویر از برجام با عنوان دیوار مهربانی یاد کرده است و اقلام و موضوعاتی را چون «انرژی هسته‌ای»، «دانشمندان ایرانی»، «نفت» و مهم‌تر از همه این‌ها «عزت و اقتدار ملی» اقلامی غیر ضروری معرفی شده است. اما برخلاف این موارد، اقلامی چون «برنج تایلندی»، «سیگار مارلبرو»، «هوایمهای فرسوده» و «مک دونالد» را در ردیف مواردی قرار داده است که از دید دولت یازدهم کشور به آن‌ها نیاز مبرم دارد.

در این تصویر برجام و نتایج حاصل از آن اشتباهی بزرگ بازنمایی شده است که نه تنها گرهی از مشکلات فعلی کشور را باز نمی‌کند، بلکه عزت و اقتدار ملی را نیز آماج حملات دشمن قرار می‌دهد. در این دیدگاه، همچنین، رفع تحریم‌ها به عنوان طعمه‌ای استفاده شده است تا به این طریق بتوانند منابع حیاتی و راهبردی کشور را تصاحب کنند و در عوض کالاهای کم ارزش و غیرضروری را به کشور وارد کنند تا از این طریق نفوذ خود را به اقتصاد و سیاست ایران باز کرده و رد پای خود را در داخل کشور باقی بگذارند.



شکل شماره ۵- تله مذاکرات هسته‌ای

تصویر حاضر به روند پیشرفت مذاکرات هسته‌ای دلالت می‌کند که در آن «انرژی هسته‌ای»، «مسیر توافقات»، «حرکت با شتاب طرف مذاکره کننده‌ی ایرانی»، «شکاف موجود در مسیر»، «طرف اروپایی» و «شکلات در دست او» بسیار برجسته و حائز اهمیت می‌نماید. هرکدام از این اجزا جنبه‌ای از مذاکرات را بازنمایی می‌کنند. همبود آن‌ها معنایی گفتمانی و ایدئولوژیک را در راستای نقد برجام به مخاطب القا می‌کنند.

تابلویی که «برجام» روی آن نوشته شده است و به سمت نماینده‌ی گروه ۱+۵ اشاره دارد حاکی از آن است که مسیر برجام و داد و ستدهای انجام‌شده در طول مذاکرات امری از پیش تعیین‌شده و برنامه‌ریزی‌شده بوده است. در این تصویر، طرف ایرانی بدون آگاهی یا عدم توجه به برنامه‌ریزی‌های غربی‌ها با هدف تضعیف برنام‌ل هسته‌ای ایران وارد مسیر مذاکرات برجام شده و غافل از این برنامه‌ریزی‌ها به امتیازات بسیار کم‌ارزش که به وسیله‌ی شکلات بازنمایی شده است، دست یافته است. در این تصویر، ارتباط بسیار مهمی بین نشان انرژی هسته‌ای و تله موجود در سر راه و حرکت پرشتاب طرف ایرانی وجود دارد. در واقع، تله یا همان شکاف موجود در راه مذاکره کننده‌ی ایرانی، از دید تصویر، به واگذاشتن مشتاقانه و رها کردن فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای در ازای دریافت امتیازات ناچیز و کم اهمیت دلالت دارد. این تصویر به‌طور ضمنی بیان می‌کند که دولت (که به وسیله‌ی کلید آویزان شده از جیب طرف ایرانی بازنمایی شده است) بصورت کاملاً مشتاقانه (اشتیاق مذاکره کننده‌ی ایرانی بوسیله‌ی

قطره‌های آب دهان وی تداعی می‌شود) به طمع دریافت امتیازاتی بسیار ناچیز، مهم‌ترین سرمایه‌ی کشور را در اختیار دولت‌های غربی قرار داده است.



شکل شماره ۶ - جذابیت‌های دنیای مذاکرات

در سطح دلالت مستقیم، طرفین مذاکره با ویژگی‌های ظاهری ویژه‌ای به تصویر کشیده شده‌اند. هم‌چنین موشکی با آرم پرچم اسرائیل ولی با رنگ بنفش تیره وسط میز مذاکره قرار دارد که میز را به دو نیم تقسیم کرده است. حضور موشک اسرائیلی تعجب طرف ایرانی را برانگیخته و از بابت حضور موشک عبارت «چه جالب! دنیای مذاکره هم جذابیت خودش رو داره» را بیان نموده است. نماینده‌ی ایرانی در مذاکرات با وجهه‌ای حاکی از تعجب، چشمانی گرد شده و دهانی باز بازنمایی شده است که تلویحاً نشان می‌دهد وی مجذوب قدرت اسرائیل شده است. اما برخلاف نماینده ایران، نماینده کشورهای ۵+۱ با لبخندی حاکی از رضایت و اطمینان از فرایند کلی کار به تصویر کشیده شده است.

در سطح دلالت ضمنی، اولین و مهم‌ترین نکته، بیان ضمنی نفوذ فعال و تاثیرگذار اسرائیل در روند مذاکرات است. رنگ بنفش در این تصویر حاکی از آن است که اقدامات تساهل‌برانگیز دولت تدبیر و امید باعث شده است اسرائیل در مذاکرات دخالت غیرمستقیم داشته باشد. آنچه از تصویر برمی‌آید این است که اسرائیل سران کشورهای ۵+۱ را به سوی عدم توافق با ایران سوق می‌دهد و از اعمال فشارهای بیشتر و کسب امتیازات بسیار مهم از ایران اصرار و پافشاری

می‌نماید. موضوع تامین امنیت اسرائیل در مقابل ایران نیز باعث شده است که ایران در موضع ضعف قرار گیرد و نماینده‌ی ایران بخاطر رعب از اسرائیل و آمریکا و اشتیاق برای کسب امتیازات ناچیز و کم‌ارزش نفوذ همه‌جانبه‌ی اسرائیل در مذاکرات را «جذابیت» فرض می‌کند.



شکل شماره ۷ - عاقبت نامعلوم صنعت کشور پس از برجام

در این تصویر یک ماژ به نام «برجام» وجود دارد که قسمت فوقانی آن به رنگ بنفش طراحی شده است. این تصویر یک چرخ‌دنده‌ی جان‌بخشی شده را نشان می‌دهد که با ظاهری نالان سوار بر روی برانکارد وارد ماژ برجام می‌شود. این تصویرحاکی از این ایده است که صنعت کشور به‌عنوان یک موضوع بسیار مهم و حیاتی که با اقتدار و عزت نظام پیوندی ناگسستنی دارد، به دلیل اقدامات دولت یازدهم درگیر پیچیدگی‌های سیاسی در سطح بین‌المللی شده است. به عبارت دیگر، این تصویر بیان می‌کند که صنعت کشور تحت تاثیر برجام قرار گرفته و وضعیت آن نامعلوم و مملو از پیچیدگی‌های بازنمایی شده است. افزون بر این، حمل چرخ‌دنده‌ی جان‌بخشی شده با وضعیت آشفته به درون دالان‌های پرپیچ و خم موضوع برجام می‌توان برداشت کرد که بحث انرژی هسته‌ای و فعالیت‌های مرتبط با آن به‌کل مسکوت باقی مانده و با امتیازاتی که دولت یازدهم و تیم مذاکره‌کننده به دولت‌های غربی در چارچوب برجام اعطا کرده است، سایت‌های هسته‌ای کشور بدون استفاده باقی مانده‌اند. از چرخ‌دنده‌ی نالان هم‌چنین این برداشت را نیز می‌توان اراده کرد که صنعت تولیدات داخلی در اثر رفع نسبی برخی تحریم‌ها و ورود

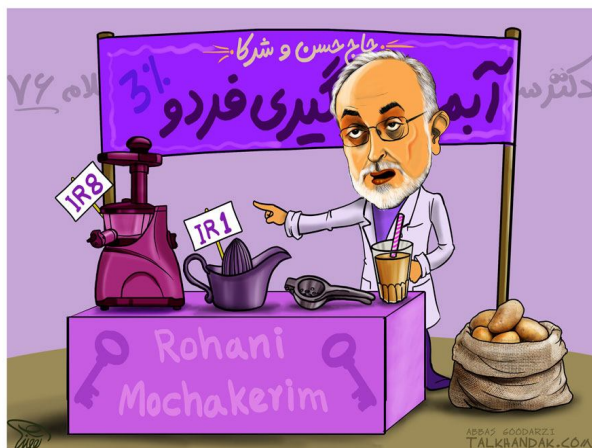
شرکت‌های کشورهای غربی به داخل کشور دیگر توان تولید را از دست داده و تولید ملی با نقصان و ضعف بسیار شدیدی روبرو خواهد شد.



شکل شماره ۸- بندگی غرب

در سطح دلالت مستقیم، دو دست بیرون‌آمده از پرچم آمریکا و افسار بسته‌شده به دهان یک انسان حضور دارند که بندگی و اسارت را تداعی می‌کنند. علاوه بر این‌ها، عبارت «وای چه حالی می‌بره» نیز در وصف زیست با افسار عنوان شده است که به لذت بندگی آمریکا و غرب اشاره دارد.

این تصویر به روند اجرای مذاکرات و پیامدهای مذاکره با آمریکا و کشورهای غربی اشاره می‌کند. این تصویر با گفتمانی بسیار تند هرگونه سازش و توافق با آمریکا و غرب را چه در رابطه با مسائل هسته‌ای و چه دربارهٔ دیگر مسائل داخلی و بین‌المللی به اسارت حیوان‌گونه تشبیه کرده است. افسار بستن بر دهان انسان استعاره از برده شدن به‌صورتی چون حیوان برای اربابی است که تنها دستان مدیریت‌کننده‌ی او قابل مشاهده است. در این تصویر برای روشن ساختن هویت اربابِ توافق‌کنندگان و سازش‌گران از پرچم آمریکا استفاده شده است. در واقع این تصویر حامل این پیام است که گروهی که منافع ملی و استراتژیک کشور را به بهایی ناچیز در اختیار دولت‌های اروپایی و آمریکا قرار می‌دهند، حیواناتی برده در کالبد انسان هستند که در عوض امتیازات بی‌شمار اندک آسایشی بدست می‌آورند. لازم به ذکر است که از عبارت «وای چه حالی می‌بره» این‌گونه برمی‌آید که توافق‌کنندگان با رضایت بردگی و زیست



شکل شماره ۱۰- آبمیوه‌گیری فردو

تصویر آخر حکایت از سایت اتمی فردو دارد که با تابلوی «آبمیوه‌گیری فردو حاج حسن و شرکا» به مسئولیت آقای دکتر صالحی مدیریت می‌شود. بر روی پیشخوان بنفش رنگ با شعار «روحانی مچکریم»، تصویر کلید و وسائل آبمیوه‌گیری وجود دارد که بر روی آن‌ها برچسب‌های IR 1 و IR 8 الصاق شده است. تمامی این عناصر در مجموع بر این امر دلالت دارند که سایت اتمی فردو در حال حاضر تفاوتی با فروشگاه آبمیوه فروشی ندارد. این تصویر به صورت ویژه به نتیجه توافقات انجام شده ایران با کشورهای ۵+۱ در باره سایت اتمی فردو اشاره دارد و معتقد است که به واسطه توافقات صورت گرفته در خصوص فردو، این سایت اتمی تمام کارایی خود را از دست داده و به یک مکان بی‌اهمیت تبدیل شده است.

کنش‌های نشانه‌شناختی - انتقادی در حالت کلی باعث ارتقاء و تعالی تفکر انتقادی در جامعه می‌شوند و اذهان عمومی را از انسداد و انفعال در رابطه با ارزش‌ها، معیارها و کنش‌های اجتماعی می‌رهانند. این شیوه تفکر ابعاد گوناگون آثار و پدیده‌های سیاسی-اجتماعی را با دید نقادانه و البته منصفانه بررسی می‌کند و برای برون‌رفت از مسائل و مشکلات موجود، با مطالعه ریشه‌های تاریخی آن‌ها، راه حل ارائه می‌کند. این امر نظام‌های سیاسی را در سایه اصلاحات مداوم مناسب و دقیق که از سوی نقدهای متنوع ارائه می‌شود، تقویت و تحکیم می‌کند. با این وجود، برخی از کنش‌های نقد-محور نشانه‌شناختی، دیدگاه‌هایی نقادانه را نه بر معیار اصلاح

امور بلکه با هدف تعمیق منازعات گفتمانی و سیاسی بین جریان‌های فکری درون بافتار سیاسی یک سیستم سیاسی انتشار می‌دهند.

هدف این دست اقدامات گفتمانی عمدتاً مشروعیت‌زدایی از قدرتی است که اقدام به کنشی سیاسی هم‌چون «برجام» کرده است. کنش‌های نشانه شناختی - انتقادی در میان دیگر انواع کنش‌های انتقادی گفتمان مخالف دولت، ممکن است سبب شود تا نظم‌های مقرر ساختار قدرت را در درون بافتار سیاسی و هم‌چنین بافتار اجتماعی تحت تاثیر قرار داده و مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی را دچار بحران بنماید. صادقی جقه (۱۳۹۵) معتقد است « ۶۳ درصد مردم هنوز طرفدار موضوع برجام بوده و بالاتر از ۸۰ درصد از ایرانیان فارغ از هرگونه گرایش سیاسی از توسعه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای حمایت می‌کنند»، این کنش‌های گفتمانی و نشانه شناختی منتقدین در معرفی برجام به‌عنوان یک شکست سیاسی که در نهایت به سود آمریکا و غرب بخصوص اسرائیل تمام شده است، پذیرفتاری کردارهای سیاسی دولت مستقر را در جامعه با بحران روبرو می‌نماید. در حقیقت، برابر دانستن حمایتِ حداکثری جامعه از یک رویداد سیاسی با «شکست» و نسبت دادن صفت «توافق آمریکایی» به برجام آن هم از سوی افرادی متصل به طبقه قدرت، اعتبار و پذیرفتاری طبقه قدرت را با خطری جدی مواجه می‌کند؛ چرا که همین موضوع برجام که از سوی منتقدین «خیانت» خوانده می‌شود از سوی بالاترین نهادهای تصمیم‌گیری و صاحب قدرت سیاسی کشور مورد تائید قرار گرفته است. لذا کشاندن پای برجام که موضوعی ملی و فراگفتمانی است به منازعات گفتمانی و هژمونی طلبانه جناح‌های سیاسی در درون کشور علاوه بر اینکه «جامعه را با یاس و فرسایش سرمایه‌های اجتماعی مواجه می‌کند»، (صادقی جقه، ۱۳۹۵: ۴۸) نتیجه‌ای جز آسیب زدن به اقتدار نظام و مشروعیت آن در درون جامعه و در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای نخواهد داشت. در چنین شرایطی، ترمیم آسیب‌های وارد شده در آینده بسیار سخت و زمان‌بر خواهد بود و اعتماد ملی را خدشه دار خواهد کرد. ناگفته پیداست که کاهش اعتماد ملی، افت و نزول هژمونی و مشروعیت همه‌جانبه نظام را در بر خواهد داشت.

بحران مشروعیت در سیستم می‌تواند ناشی از کاهش هژمونی و مقبولیت آن در بین سوژه‌های اجتماعی باشد که در این صورت سیستم قابلیت خود را برای حل و فصل مسائل موجود در اجتماع و بافتار سیاسی عملاً از دست می‌دهد و قادر نیست تا راهکارهای برون‌رفت از بحران را

به دلیل نقصان هژمونیک‌ی ارائه دهد یا عملی سازد (هابرماس ۱، ۱۹۸۴). بر همین اساس، ارائه تصویری غیرنقدانه از یک پدیده سیاسی مورد تأیید جامعه و سطوح بالای قدرت موجب می‌شود تا در اذهان عمومی نظم ساختار قدرت به‌عنوان ابژه‌ای دارای قدرت تأثیرگذاری پایین تلقی شده و قدرت‌های میانی از این فضا برای کاهش هژمونی بالاترین نهاد قدرت سود بجویند. این کنش و واکنش‌ها باعث می‌شوند تا مقبولیت و مشروعیت کنش‌های سیاسی نهادهای حکومتی به وسیله‌ی نشر واقعیات متناقض با تصمیمات بالاترین نهاد، نظم ساختار قدرت نهاد-های سیاسی تصمیم‌گیرنده را با بحران مشروعیت و مقبولیت دچار بنماید.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تعدادی از متن‌های تصویری که موضوع برجام را از نگاه منتقدان آن بازتاب داده بودند با خوانش انتقادی مورد بررسی قرار داد. هدف این پژوهش از یک سو استفاده از مفاهیم و اصول گفتمان‌شناسی انتقادی و نشانه‌شناسی برای مطالعه و بررسی کاریکاتورهای مرتبط با برجام بود و از سوی دیگر بررسی تأثیرات نقدها و مخالفت‌های مطرح شده به موضوع برجام در ساختار سیاسی قدرت و نظم‌های گفتمانی بافت سیاسی کشور. نتایج تحلیل‌ها حاکی از آنست که عناصر متنی و نشانه‌شناختی که موضوع برجام را بازنمایی می‌کنند دارای گرایش‌های خاص و ایدئولوژیکی بوده و بر معیار گفتمانی خاص اقدام به نشر و بازتاب برجام به عنوان یک شکست سیاسی کرده‌اند. چینش‌های ایدئولوژیکی عناصر نشانه‌شناختی در تصاویر مورد تحلیل عموماً تلاش کرده‌اند تا ایران را در فرایند مذاکرات هسته‌ای در جایگاه ضعف بازنمایی کنند که تحت تأثیر و نفوذ کشورهای ۵+۱ قرار گرفته و ابتکار عمل را در اختیار طرف مقابل قرار داده است. در این تصاویر، همچنین، به حضور اسرائیل در پشت پرده مذاکرات هسته‌ای اشاره شده است. این مسئله باعث می‌شود تا این تفکر به مخاطب القا شود که نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در صحنه مذاکرات با علم به این موضوع، تسلیم تصمیماتی شده‌اند که اسرائیل در تدوین آن‌ها نقش پررنگ‌تری داشته است. با این نوع نگاه ایدئولوژیکی، که غالباً از سوی دولت رد شده است، منتقدین برجام در تمامی کنش‌های گفتمانی تلاش کرده‌اند با برساخت نگاهی منفی نسبت به برجام و روند مذاکرات، تفکری

¹ . J. Habermas

مخالف برجام را در اذهان عمومی برساخته کنند و نتایج آن را دستاوردهایی حاشیه‌ای و کم اهمیت جلوه دهند که به بهای اعطای امتیازات استراتژیک و عدول از خطوط قرمز نظام حاصل شده‌اند.

بازنمایی برجام به عنوان یک پروژه شکست‌خورده بیش از آنکه بیانگر ب نقد و انتقاد باشد، حاکی از تخاصمات و نزاع‌های گفتمانی و بینشی بین گفتمان‌های حاضر در بافتار قدرت است. اگر چه کنش‌های انتقادی نسبت به فعالیت‌های سیاسی قدرت موجب ارتقا و بهبود شرایط و عملکرد سیاسی طبقه قدرت می‌شود، بازنمایی آن‌ها به مثابه شکست و مشروعیت‌زدایی از پدیده‌ای سیاسی مورد قبول جامعه و سطوح بالای قدرت موجب متزلزل ساختن هژمونی و مشروعیت کلی ساختار سیاسی کشور می‌شود. دلیل این امر آنست که با وجود آمدن آشفتگی فکری در مورد صحت و سقم مدعیات مطرح‌شده میزان اعتماد مردم نسبت به کنش‌های حاکمیت کاهش می‌یابد. با این اوصاف، پژوهش حاضر این آگاهی را ایجاد می‌کند که نقد عملکرد یک گروه و جریان بر معیار تنازعات و تخاصمات گفتمانی بدون داشتن نگاه عقلانی به وضع موجود جامعه سیاسی-اجتماعی، جامعه را با آشوب‌زدگی فکری مواجه می‌گرداند. همچنین در این وضعیت این نوع کنش‌ها باعث می‌شوند که کنش‌های عقلانی و منطقی به حاشیه رانده شده و کنش تهمت و تخریب تفوق و گستره زیادی داشته باشد.

منابع

- احمدی، بابک، ۱۳۹۰، *ساختار و تاویل متن*، چاپ سیزدهم، تهران، نشر مرکز.
- آقابابایی، احسان، ویسی، رحمان، و عسکری، مرضیه، ۱۳۹۴، «تصویر و اسطوره، تحلیل نشانه‌شناختی تصاویر روی جلد مجله عامه پسند چلچراغ»، *مجله جهانی رسانه-نسخه فارسی*، ۱۰ (۱)، ۱، ۱۹-۱
- بارت، رولان، ۱۳۸۹، *پیام عکس*، ترجمه راز گلستانی فرد، تهران، نشر مرکز.
- جمشیدی، مجید، ۱۳۹۴، «تاثیر فرایند توافق هسته‌ای بر درک آمریکا از عقلانیت راهبردی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۴ (۱۵): ۹۴-۶۹
- خسروی، صبا، ۱۳۹۳، «تحلیل نشانه-اسطوره شناختی عکس و سرخط روزنامه‌های ایران، انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۰ (۳۷): ۹۲-۶۷
- خلیلی، رضا، ۱۳۹۵، «پیداهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام، رویکرد استراتژیک»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۹ (۲)، ۱۵۸-۱۳۱.
- خوانساری، شهریار، ۱۳۹۵، «نقش عکس در بازنمایی اسطوره شهادت در نقاشی دیواری شهر تهران»، *منظر*، ۳۶، ۱۹-۱۲
- رسولی، محمدرضا، دادجو، سحر، نگین تاجی، فهیمه، شبستری زاده، زهرا، ۱۳۹۳، «نشانه‌شناسی تبلیغات مجلات سبک زندگی، مطالعه موردی مجلات زندگی ایده آل، زندگی آرمانی، زندگی ایرانی»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۰ (۳۷)، ۱۱۷-۹۳
- صادقی جقه، سعید، ۱۳۹۵، «سرمایه اجتماعی ایران در آئینه مذاکرات هسته‌ای برجام»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۹ (۲): ۵۲-۳۱.
- کمالی اردکانی، مسعود، ۱۳۹۵، «تاثیرات برجام بر تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۹ (۲): ۸۲-۵۳.

- Chandler, D. 2007. *Semiotics; the basics*. London and New York: Routledge.
- Eco, U. 1976. *A theory of semiotics*. London: Indiana University press.
- Fairclough, N. and Wodak, R. 1977. "Critical discourse analysis". *Discourse as Social Interaction*, Van Dijk, T. A. London: Sage Publication. 258-284
- Fairclough, N. 1992. *Discourse and social change*. Cambridge: Polity Press.
- Fairclough, N. 2001. *Language and Power*. London: Longman.
- Grbich, C. 2007. *Qualitative Data Analysis*. London; Thousand Oaks; New Delhi: SAGE.
- Habermas, J. 1984. *Legitimation Crisis*. Trans. Thomas MacCarthy. London: Polity Press
- Hodge, R. and Kress, G. 1987. *Social semiotics*. New York: Cornell University Press.
- Meyer, M. 2002. "Between theory, method, and politics: positioning of the approaches to CDA". *Methods of Critical Discourse Analysis*, Wodak, R. and Meyer, M. London: sage Publication. 14-31
- Van Dijk, T. A. 1986. *Racism in Press*. London: Arnold
- Van Dijk, T.A. 2001. "Critical discourse analysis". *Handbook of Discourse Analysis*, Tannen, D., Schiffirin, D., and Hamilton, H. Oxford: Blackwell. 352-371
- Van Dijk, T. A. 2003. "The discourse-knowledge interface". *Critical Discourse Analysis: theory and practice*, Weiss, G. and Wodak, R. New York: Palgrave Macmillan. 85-109
- Van Dijk, T. A. 2009. "Critical discourse analysis: A socio-cognitive approach". *Methods of Critical Discourse Analysis*, Wodak, R. and Meyer, M. London: sage Publication. 62-85
- Van Leeuwen, T. 2005. *Introducing Social Semiotics*. New York: Routledge.
- Williamson, J. E. 1978. *Decoding Advertisements: Ideology and Meaning in Advertising*. London: Marion Boyars.

وبسایت‌ها

سایت جامع فرهنگ‌مذهبی شهید آوینی. قسمت کاریکاتور / آوینی.

<http://www.aviny.com/karikator/Karikator/aviny/archive/archive>

تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۰۸/۱۰